

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

نوری رهنورد

۰۵ جون ۲۰۱۴

«این گرفتاری بزرگ، این درد خانماسوز، این حقارت نهادینه شده»

## سمبل‌های

### «سفاقت در قدرت دینی- جنایت در قدرت دولتی»

#### اثر بهرام رحمانی

کتاب «سفاقت در قدرت دینی- جنایت در قدرت دولتی»، در بسیاری از صفحات خود یادآور پرده‌داری‌ها و فاش‌گویی‌های احمد کسروی و به پای میز محاکمه‌کشیدن داعیان دین و دولت‌دینداران در ایران است. مقالات و گفتارهای کسروی در باره عوام‌فریبی ملایان و دروغ‌پراکنی و به بدبختی‌کشاندن مردم در نهایت سبب‌ساز ترور او شد. نوشته‌های فراوانی که از او برجای مانده، سند زنده تاریخ زندگانی او برای از میان برداشتن پلشتی‌ها و زشتی‌ها به‌شمار می‌رود. در هر یک از این نوشته‌ها و در هر صفحه‌ای از آن‌ها، اثری سخت خردمندانه و اشاره‌هایی صریح به نقش مخرب ملایان همراه و همسو نخست با دولتمردان عصر پهلوی اول و سپس پهلوی دوم می‌توان یافت.

«با چنین کیشی و با بودن صد هزار ملایان که شب و روز به مردم وسوسه می‌کنند و این بدآموزی‌ها را در دل‌های آنان ریشه‌دارتر می‌گردانند، شما چشم زندگانی مشروطه‌ای از این مردم دارید؟»\*

به مراجعت حاج آقا حسین قمی اشاره می‌کند و می‌گوید:

«این شخصیت را که رضا شاه تحقیرش کرده و از ایران اخراج نموده بود، با استقبال فراوان دوباره به کشور بازگردانیدند و دوباره بساط حجاب بانوان را گسترش دادند: «چادر و روبند زن‌ها که مایه ریشخند جهانیان بوده و پس از کوشش‌های بسیار از سوی آزادیخواهان در زمان رضاشاه برداشته شده بود کمپانی خیانت این را نمی‌پسندید. نمی‌پسندید که زنه‌ای ایران همپای زنان جهان باشند و با روی باز بیرون آیند. این بود همان که رضا شاه افتاد وزیران ما یکی از کارهاشان آن بود که جلو سختگیری را گرفتند و برخی ملایان را وا داشتند که در این مسجد و آن مسجد سخن از «حرمت رفع حجاب» رانند...»\*\*

«سفاقت در قدرت دینی، جنایت در قدرت دولتی»، نقد مذاهب در ابعاد تاریخی آن‌ها است. در این میان بررسی نقش اسلام و ملایان در ایران، موضوع محوری و دغدغه خاطر نویسنده کتاب است. پس‌زمینه و پشتوانه این بررسی منطق علمی، استدلال عقلی و واقعیات تاریخی است. این واقعیات و توجیهات دینی خوابیده در پس‌پشت آن‌ها، گاهی مضحک و ریشخندآمیز از فرط بلاغت وجودی هستند. نویسنده فاکت‌هایی ارائه می‌دهد؛ به عنوان مثال از پیدایش پیغمبران در سرزمین‌های پیغمبرخیز قدیم عربی، از نحوه زندگی، از درام عاشقانه و زناشویی و حرف‌ها و خیالات و شیوه نگرش آن‌ها به زمین و زمان و خدایان و آدمیان و حیوانات و زنان، که امروزه مرغ پخته را می‌توانند به خنده وادارند. نویسنده

جابه‌جا نشان می‌دهد که این آدمیان بدوی با تخیلات فراتخیلی خود، برای تاریخ جنایتکارانی بزرگ آفریده‌اند. این جنایتکاران گاه در جلد روحانیون، گاه در کسوت پادشاهان و سرداران جنگی یا به عرصه وجود نهاده‌اند و زمام امور اداری، اخلاقی، عقلی و حتی حسی و جنسی ملّت‌ها را در دست گرفته‌اند. بررسی تاریخ اروپا در قرون میانه- وسطی- نیز از این سبب ضروری متن و گفتارها آمده است.

در این کتاب، تلاش می‌شود تا بنیادی‌ترین افکار و آرای مذهبی و نگرش ارتجاعی مذاهب ابراهیمی -عربی، سامی- به انسان و نیازها و آزادی‌هایش و دخالت آن‌ها در خصوصی‌ترین امور زندگی شهروندان، به خصوص زنان و کودکان مورد بحث و کنکاش قرار گیرند. داستان‌های زندگانی تعدادی از پیغمبران که امروزه به کار سینماگران هزال و شاعران طنز می‌آید، موضوعات مورد اشاره را به نمایش گذاشته‌اند.

وفور فاکت‌های دینی در این اثر، کنار مشتقات و زائده‌های آن‌ها مانند داستان «طالع‌بینی، شناخت ارواح، فال‌بینی، بخت‌گشائی، سحرگشائی، ساعت‌شناسی، شناخت اجنه، علم‌الحروف، و شفابخشی» در گوشه‌وکنار ایران، ابزار مناسبی برای اندیشیدن در دسترس خواننده قرار می‌دهند.

نویسنده بررسی مفصلی در باره احکام دینی محمد، کتاب قرآن و نسخه‌های متفاوت آن در دوره‌های گوناگون دولت‌ها و خلفای اسلامی انجام می‌دهد که برای جامعه ایران نازگی دارد. او پس‌زمینه قوانین اخلاقی قرآن را نام‌نشان می‌کند که در بستر آن رفتار سیاسی پیغمبر اسلام را در دوره‌ای که فاقد قدرت بود و در دوره‌ای که قدرت کسب کرد، واکاوی می‌کند. در این نمودارها، از جامعه بدوی عربستان روزگار محمد، آئینه‌ای برساخته می‌شود که پیروان این دین و پیغمبر می‌توانند ریشه‌های از پیش سوخته خود در وجود امروزی‌شان را به نظاره بنشینند. این داستانی است پُرآب چشم. در این داستان چهل عربی و ناتوانی ایرانی تبدیل به دروغ بزرگی به نام مذهبی به نام شیعه می‌شود. شیعیان، ایرانیانی هستند که به طرفداری از یک خانواده عرب قیام کرده‌اند که چرا آن‌ها را از دایره قدرت دولتی به دور انداخته‌اند! پس تکلیف خود ایران چه می‌شود که کران تا به کرانش را شمشر عرب به دریای خون و جهل‌و‌جور و جنایت بدل کرده است؟!

سفاقت در قدرت دینی، یعنی شعبده‌بازی‌ها، سحر و جادو، هیپنوتیزم‌کردن مغز مسلمانان، هر نوع فکر و خیال غیرانسانی را در مخیله آن‌ها فروکردن، اجانین، شیاطین، امامان جادوگر و شهوتران و طماع و گداصفت و بچه‌باز و زن‌باره و پول‌پرست و با این تفاسیل و این ویژگی‌ها در نهایت برگردۀ مردم نشستن و آن‌ها را به صلابه کشیدن، واداشتن به بیگاری، دریوزگی، گریه‌وزاری و آرزوی محال باغی به نام بهشت را پروریدن و همیشه ترسیدن از نکیر و منکر، شب اول قبر، جهنم و شکنجه‌گرانی که در آنجا حی‌وحاضر با گرزهای آتشین ایستاده‌اند و ما مسلمانان کافر شده، و تمام مردم غیر شیعه دنیا که از نظر شیعیان کافر قلمداد می‌شوند، را انتظار می‌برند.

این‌همه روزگاری اسباب و ابزار سعادت و قدرت و ثروت کشیشان و نیز جنایت و کشت‌و‌کشتار مردم توسط آنان در کشورهای اروپائی بوده است و امروزه در سیطره ملایان در ایران است. نویسنده به درستی نشان می‌دهد که «جنایت در قدرت دولتی» در گرو «سفاقت در قدرت دینی» است. بذری که ملایان از دیرباز پاشیده‌اند و بیشترها احمد کسروی در نوشته‌های خود بدان‌ها پرداخته بود و همزمان با او صادق هدایت به اختصار در داستان‌های خود از جمله حاج‌آقا و توپ مرواری و همچنین در نمایشنامه کوتاهش فی‌بعثت‌السلام فی بلاد فرنگیه با طنز و هزل ریشه‌های آن را و رستنی‌های حاصله از آن را نشان داده بود، و علی‌دستی در کتاب بیست‌وسه‌سال خود در باره آن افشاءگری کرده بود، از سی‌وپنج سال پیش در ایران نتیجه داده است. اما این کتاب فرآورده هم افکار و اندیشه‌های آن بزرگان و هم مداوم بررسی همه‌جانبه نقش دین و مذهب در کلیت زندگانی اقتصادی، سیاسی فکری و اخلاقی ایران و ایرانی است. اهمیت مسأله مورد بررسی و پیچیدگی و ابهامات ذاتی آن سبب ابتکاری شده است که نویسنده را به مراجعه به آرای اندیشمندان

مادی سوق داده است. این است که از پی آیات تاریک و خوف‌انگیز کتب دینی و سخنان سبک و بی‌مایه علامه‌ها، فقها، مراجع تقلید و رهبران مذهبی و سیاسی، نگاهی اجمالی به نظریه‌ها، پژوهش‌ها و روشنگری اندیشمندانی نظیر داروین، کانت، ژان ژاک روسو، فویرباخ، کارل مارکس، فردریک انگلس و ... پرتو می‌افکند که به نوبه خود زیبایی شاعرانه تراژیک به این کتاب پُر حجم داده است.

«سفاهت در قدرت دینی» آبخور «جنایت در قدرت دولتی» است. جنایت در قدرت دولتی، بازتاب سفاهت در قدرت دینی است. جمع این دو در شمایل هیولائی ضحاک‌مانند که از خون و خون‌ریزی و سفاهت و جنایت سیری ندارد؛ در ایران امروز، بر اریکه سلطانی تکیه زده و ملت و حس و اخلاق و رفتار و کردارش را می‌خواهد انضباطی منطبق با الگوهای عربی هزار و چهارصد سال پیش سرزمینی به نام عربستان بدهد. این کتاب برای تصویرپردازی این گرفتاری بزرگ، این درد خانماسوز، این حقارت نهادینه‌شده در اخلاق ایرانی که ترس و دروغ‌گوئی را در او توجیه می‌کند، سوختن و ساختن با هر آن دیوسیرتی را که قدرتی به هم می‌زند، برایش طبیعی جلوه می‌دهد و قضاوقدری شدنش را تدارک می‌بیند؛ نوشته شده است.

این گرفتاری بزرگ، این درد خانماسوز، چه ویژگی‌هایی دارند؟ و چه بارها و نام‌هایی را بر خود یدک می‌کشند؟ پیدایش این مهمانان ناخوانده به کدام عصر، به کدام علت و کدام زمینه‌ها برمی‌گردد؟ آیا کشور ایران از زمره کشورهای نیست که تاریخ تکامل طبیعی نداشته‌اند؟ آیا این‌که ما دیروز را دوره می‌کنیم و امروز را، به معنی این نیست که ما در هر دوره‌ای تاریخ خود را تکرار می‌کنیم و چون دور پایان می‌رسد، دوباره آن را بازسازی می‌کنیم و دوباره آن را زندگی می‌کنیم؛ مانند فلمی که یکبار تماشایش کنیم و چون تمام شد فلم را به اولش برگردانیم و باز هم تماشایش کنیم؟

کتاب سفاهت در قدرت دینی، جنایت در قدرت دولتی، به شیوه‌ای نوشته شده که پرسش‌هایی از این دست را دامن می‌زند. نویسندگان در شرح و بیان این گرفتاری‌ها و دردها سرچشمه‌های آغازین را هدف قرار می‌دهد؛ فرهنگ، دین، ادبیات، اخلاق، اقتصاد و سیاست در گستره تاریخ و ارزش و قدر و مقام هر یک از این‌ها در نزد آحاد ملت. این پدیده‌ها به طور طبیعی یکی آن دیگری را توجیه می‌کند. چون سفاهت دینی در مغز مؤمنان سازنده ابزار قدرت و قداست روحانیون است. همین سفاهت چون پایه‌های قدرت خود را در مغز مردمان کوبیده است، برای کوبیدن پایه‌های قدرت دولتی هم در همان نقطه مورد اطمینان جا باز کرده است. این است آن درد خانماسوزی که جامعه ایران به روایت این کتاب و کتاب‌های به تنگ‌آمدگانی که در بالا نام برده شد، بدان گرفتار است.

تجلی حقارت نهادینه‌شده در تکلمه‌هایی که در پائین می‌آورم نمودار است:

«... کسانی که به جن‌گیری، رمالی، کف‌بینی به خدا، پیامبر، امام زمان و به طور کلی خرافات مذهبی روی می‌آورند شیادان و کلاهبرداران بزرگی هستند که به احتمال قوی بسیاری از آن‌ها حتی در زندگی روزمره خود در مانده‌اند.»

«در این ۳۳ سال حاکمیت جمهوری اسلامی، انبوهی از امام‌زاده‌ها، مدعیون امام زمانی، جن‌گیران حرفه‌ای، دائرةالمزخرفاتی از موهومات، حکایات جنائی- مذهبی و افسون و افسانه‌هایی سخت مضحک و خنده‌دار و غیرعقلی، غیرطبیعی، غیر معرفتی و غیرانسانی در گستره ام‌القراء اسلام حفته شده است...»

«و طالع‌بینی، شناخت ارواح، فال‌بینی، بخت‌گشائی، سحرگشائی، ساعت‌شناسی، شناخت اجنه، علم‌الحروف، و شفاف‌خشی از حوزه‌های پررونق و پردرآمد آن در سرزمین ایران است.»

«نظام حقوقی اسلام، نظامی عشیره‌ئی، ماقبل قرون وسطائی، غیرانسانی و تبعیض‌آمیز است که با ملاحظات و دیدگاه‌های کاملاً مردانه تنظیم شده‌اند.»

«اساساً هر دینی که قدرت را تصرف کند، در هر جامعه‌ای آسیب‌ها و لطمات فراوانی به آن وارد می‌کند. چرا که نگرش دین به انسان‌ها و حقوق و آزادی آن‌ها - چنان که دیدیم- نگرشی غیرانسانی و فاشیستی است. نگرش دین به روابط زن و مرد نگرشی نابرابر و از منظر آپارتاید جنسی و مردسالاری است. بیشتر فقهای حاکم در ایران بر این باوراند که انسان کامل فقط نایبان خدا یعنی خودشان هستند. و انسان نوعی - در اینجا یعنی مرد- از آنجا که فاقد عقل است و گناهکار است و احتیاج به قیمومیت علمای دین دارد، نصف انسان به حساب می‌آید. و چون زن، یک نیمه از مرد کمتر دارد، هیچ کدام حق انتخاب و تصمیم‌گیری در امور سیاسی را ندارند. آن‌ها فقط باید مطیع و گوش به فرمان فقهاء و علماء باشند وگرنه زندان، داغ‌ودرفش و مجازات جهنمی در انتظارشان است. این آن تفکری است که در سایه آن جمهوری اسلامی در سی‌واندی سال، یک جهنم بزرگ برای اکثریت مردم ایران به وجود آورده است. و به نظر می‌رسد که تا روزی که اینان در حاکمیت باشند؛ آتش همان است و کاسه همان.»

«چنان که می‌بینیم، در برابر این یاوه‌سرائی‌ها فقط می‌توان خنده جنون‌آمیز سر داد. این افکار و موهومات فقط می‌تواند از مغز فلج دیوانگان، مردمان خون‌آشام، سفیهان و دشمنان جان و مال و ناموس مردم تراوش کند. چنان که در حکومت اسلامی در ایران می‌بینیم که زندگی و هستی انسانی در نزد حکومتگران پیشیزی ارزش ندارد و کشتن جوانان مردم و مملکت برایشان عین آب‌خوردن آسان است...»

این «حقارت نهادینه‌شده» در ژن‌های موروثی ما، امروزه سر از کاکل سمبل‌های دینی - سیاسی، دینی- اخلاقی، دینی- اداری و دینی- آموزشی ایرانی برآورده است.

کتاب حاضر این مسأله را در تمام ابعاد تاریخی و اجتماعی‌اش به بحث گذاشته و بر آن است که راه‌رهای ایران و ایرانی درگرو شناخت و حل آن به شیوه عقلانی است...

نوری رهنورد

عضو کانون نویسندگان

ایران در تبعید

بهار دوهزار و چهارده

\* گشتی در زندگانی کسروی، به روایت بهزاد کشاورزی، کتاب دادگاه، سایت اینترنتی ایران امروز

\*\* (همان کتاب)

این کتاب ۳۴۵ صفحه و در قطع وزیری است. علاقه‌مندان می‌توانند از طریق کانون فرهنگی بامداد، ناشر این کتاب با آدرس زیر:

Bamdad

Box 523

101 30

Stockholm, Sweden

و یا مستقیماً از طریق ایمیل با خود نویسنده تماس بگیرند.